

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نسرین معروفی
۲۹ جولای ۲۰۲۲

اولین قربانی در تمام جنگها واقعیت است

خوانندگان عزیز!

قبل از همه باید بگویم که در این نوشته نباید تصور شود که هدف من پشتیبانی از رژیم روسیه و پوتین است. چه روسها هم مرتکب جنایاتی شده و می شوند که می باید به پاسخگوئی کشانده شوند. چنانچه کودتای حزب جنایتکار و وطنفروش به اصطلاح دموکراتیک خلق و تجاوز نظامی شوروی سابق با تسلیحات نظامی پیشرفته، شروع فاجعه عظیمی بود که حاصل دوازده سال این فاجعه تا به امروز باعث فجایع زیاد دیگر در کشور ما شده است که داستانش طولانی و تا هنوز هم در جریان است.

ولی در اینجا می خواهم صرف یک جانبه نگری رسانه های خود فروخته و ترسوی غربی را زیر سؤال ببرم که اگر چنان نمی بود در کنار کاریکاتوری که از پوتین مانند یک پسر کوچکی که در مقابل هیتلر ایستاده و درس جنایت می آموزد به نمایش گذاشته، می بایست کاریکاتور هائی از جنایتکارانی مانند بایدن، مکرون، شولس، جانسن و... که ادامه سیاستهای جنایتکارانه بوش پدر و پسر، اوباما، ترمپ، می، مرکل و... قرار داده می شد، آموغ است که قضاوت از دید رسانه های واقعیت بین مورد تأیید اکثریت مردم قرار می گرفت.

امروز خوشبختانه با بالا رفتن فهم سیاسی مردم، رسانه ها به خصوص رسانه های کشور های عضو ناتو نمی توانند تنها با کمپین علیه پوتین و متهم کردن آن در جنگ اوکراین خاک به چشم مردم بیاشند و اذهان آنها را فقط به جنایات پوتین در اوکراین و به همین ترتیب در سوریه سوق بدهند، مگر در مقابل جنایات ضد بشری را که امریکا و متحدینش در اوکراین و به همین ترتیب در سوریه و دیگر نقاط جهان به خصوص افغانستان، عراق و لیبیا مرتکب شده و می شوند، کتمان نمایند و یا اینکه حقایق را قربانی پلانها و خواسته های مثنی از جنایتکاران جنگی نمایند. طوری که می دانیم امریکا به میلیون دالر در قبضه کردن رسانه ها در اکثر کشورهای جهان به خصوص در کشورهای اروپائی به مصرف می رساند تا رسانه های خبری را تحت کنترل خود داشته باشد و تاریخ ننگین پنجد ساله خود را که پر از جنگهای جنایتکارانه علیه باشندگان بومی آن قاره و بعداً تجاوزات و مداخلات متواتر به دیگر کشورهای جهان بوده و است، کتمان نماید.

به صورت بسیار فشرده می پردازم به جنایاتی که دولتهای امریکا نسبت به کشورها و خلقهای جهان مرتکب شده است:

بعد از کشف امریکا توسط کرسلف کلمبو که راه را برای استعمار اروپائی ها در آن قاره باز کرد، مهاجرت اروپائی ها از سده شانزدهم میلادی در آن قاره آغاز شد. با ورود امپراتوری بریتانیا، هالند، فرانسه، اسپانیا در این قاره هر کدام مناطق مختلف در امریکا را در تصرف خود درآوردند و آن قاره را به سرزمین آبائی خود تبدیل نمودند. آنها از همان ابتدای ورود به این قاره به نقض حقوق انسانی و برده سازی بومیان و سرخ پوستان اکتفاء ننموده، نه تنها سرزمین های شان را به اردوگاه قتل عام و نسل کشی آنها تبدیل کردند که حدود ۱۰۰ میلیون سرخ پوست را در خاکی که مطلق به خود آنها و اجداد شان بود، به قتل رساندند، بلکه جنایات ضد بشری دیگری که آنها از قرن ۱۶ و ۱۷ شروع نمودند این بود که میلیونها انسان دیگر را توسط تاجران برده از کشورهای افریقائی دزدی و به امریکا انتقال داده به زنجیر کشیدند، از پدر و مادر گرفته تا فرزندان و نواسه های آنها باید برده سفید پوستان می بودند و آنها با هزاران ظلم و ستم و شکنجه و تجاوز تا زمانی که در همان جا می مردند، راه برگشتی نداشتند. دولتهای امریکا از همان زمان تا به امروز نه تنها با جنایات و سیاست های ضد بشری خود در آن قاره اکتفا ننمودند بلکه با سیاست های تجاوزکارانه و مداخله گرانه خود سرزمین های اکثر کشور های جهان را به اردوگاه های نابودی خلقهای ساکن آنجا و چور و چپاول دارو ندار شان تبدیل کرده اند.

سیاست خارجی گسترده و امپریالیستی ایالات متحده با داشتن اقتصاد بهتر نسبت به دیگر کشور های جهان منجر به جنگها و افزایش مداخلات سیاسی ایالات متحده از سال ۱۸۹۸ در امریکای لاتین شروع شد و دامنه آن یک قسمت قاره آسیا و افریقا را دربر گرفته است. امریکا با مداخلات علنی و مخفی در تغییر رژیم سایر کشور ها چه از طریق دادن سلاح و پول و چه هم از طریق جاسوسان آموزش دیده داخلی و خارجی در تغییر رژیم ها در کشور های امریکای لاتین از جمله دومینیکن، گواتمالا، نیکاراگوئه، پانامه، هندوراس، مکزیکو، پاراگوئه، کاستاریکا، هائیتی، ارجنتاین، بولیویا برازیل، چیلی، کاستاریکا، کوبا، کلمبیا، ونزوئلا، پورتوریکو و... رول داشته است. چنانچه در اکثر این کشور ها دولتهای مدنظر و طرفدار رژیم خود را مستقر نموده و ادعا می کنند که از دموکراسی و آزادی دفاع می نمایند، در حالی که امریکا تمام کودتا ها و نسل کشی هایی را که توسط دیکتاتور های نظامی در بعضی از این کشورها صورت گرفته با حمایت و پشتیبانی به آنها مشروعیت داده است. امریکا در اکثر این کشورها رهبران راست را جایگزین رهبران چپ کرده و هنوز هم به پلانهای شوم خود در بعضی از کشور های نامبرده ادامه می دهد.

لشکر کشی امریکا به هندوچین، مداخله امریکا در انتخابات بسیاری از کشور های دیگر برای حفظ حزب مدنظر خود، فرستادن نیروی نظامی و پلان کودتا ها و تغییر رژیم جهت تحمیل شیوه حاکمیت مدنظر خود، استقرار دیکتاتوری نظامی به دلیل تمایلات سوسیالیستی، مردمی و آزادیخواهانه دولتها، نفوذ در ساختار سیاسی کشور ها، حمایت از مخالفان دولتها توسط سیا، بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی در اواخر جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۵ با استفاده از سلاح هسته ئی که ساده ترین راه فشار بر جاپان بود، چنانچه در فاصله زمانی ۳ روز شهرهای هیروشیما و ناگازاکی بمباران اتمی شد که باعث ویرانی و کشتار گسترده مردم این دو شهر گردیده تا پایان سال ۱۹۴۵ بر اثر اثرات مخرب تشعشعات رادیو اکتیو جان خود را از دست دادند.

ما این را نباید فراموش کنیم که حمله هسته ئی نه تنها از جانب امریکا به شهرهای هیروشیما و ناگازاکی بلکه از جانب هر دولتی که مورد استعمال قرار بگیرد، چیزی به جز تروریسم دولتی نیست.

جنگ افروزی و نسل کشی های امریکا علیه بشریت از قرنهایست که تحت عناوین منادی و حامی حقوق بشر تا به امروز ادامه دارد که به مراتب بیشتر از نسل کشی یهودیان توسط هیتلر بوده و است. امریکا با پیوستن به چال و فریب و پول سیاست های تجاوزکارانه و مداخله گرانه خود را حمایت از مردم وانمود می کند.

نظمی که امریکا بر جهان با تجاوز به کشورها، تجاوز به حق حاکمیت و تمامیت ارضی آنها تحمیل کرده و می کند چیز دیگری به جز قتل و قتل، نابودی دار و ندار آنها، آوارگی، تهدید، ترس و رعب، استثمار و چور و چپاول دسترنج مردم و برده کردن خلق ها با وسایل کشتار جمعی که در دست دارد، نیست. ناگفته نماند جنایات امریکا از زمان به وجود آمدن پیمان ناتو اکثراً با ماشین جنگی امپریالیسم ناتوئی که خود را در خدمت توسعه طلبی امریکا و اروپا قرار داده است، صورت می گیرد.

طوری که می دانیم ایالات متحده امریکا دارنده قدرتمند ترین نیروی مسلح جهان است، بوجه نظامی امریکا بیش از یک سوم کل بوجه نظامی دنیا است. کنگره امریکا بوجه های نظامی را تعیین می کند، تحریم ها را وضع می کند و در کنار آن گروه لابی نیز دارای قدرت و نفوذ زیاد در تصمیم گیریهای سیاست خارجی این کشور می باشد.

امریکا بعد از جنگ دوم جهانی که متوجه قدرت جنگی روسیه و شکست قدرت دولت فاشیستی المان به رهبری ستالین شد، تلاش خود را برای تغییر رژیم ها توسعه داده و وارد رقابت با اتحاد جماهیر شوروی برای به دست گرفتن رهبری جهان و پیروزی در جنگ سرد شد.

کشور های یوگوسلاویا، لیبیا، سوریه، یمن و افغانستان از جانب پیمان ناتو که در رأس آن امریکا قرار دارد یکی پارچه پارچه شد و دیگری به خاک یکسان گردید و در دیگران مانند کشور ما افغانستان، ۴۴ سال است که خلق ستمکش کشور ما زندگانی را با قتل و قتل و در به دری و درد و رنج و شکنجه و ترس و وحشت و ده ها مصیبت دیگر می گذرانند.

طوری که ما شاهد هستیم تجاوز به یوگوسلاویا با پلانهای امریکا و اروپای غربی و تجزیه این کشور به هفت کشور دیگر در زمانی که در المان قدرت به دست حزب "اس پ دی" بود، صورت گرفت. بدین منظور دول غرب به هزاران نفر را به حیث ارتش غیر رسمی با تعلیمات فاشیستی در المان تربیه کردند و از آنها در فروپاشی یوگوسلاویا استفاده نمودند. امروز باز هم با به قدرت رسیدن حزب "اس پ دی" از همان فاشیستها و فاشیستهای که در چند سال اخیر در خود کشور اوکراین تعلیمات نظامی دیدند، استفاده می کنند.

طوری که می دانید خاورمیانه سالهاست که در آتش خانمان سوز امپریالیستی امریکا، ناتو و شوروی متوفا و امروز روسیه می سوزد. آنچه دیروز و امروز در وطن عزیز ما افغانستان گذشته و می گذرد محصول سیاستهای استعماری و تروریستی امپریالیستها و متحدین شان است. شوروی در هفتم ثور سال ۱۳۵۷ کودتای نظامی را توسط نوکران خود حزب به اصطلاح دموکراتیک خلق علیه دولت محمد داوود که وی هم با عناصر "چپ" وابسته به دولت شوروی موفق به کودتا شده بود، انجام داد و بعداً با تجاوز نظامی ۱۴ سال در کشور ما با همکاری خاد به قتل های عام بدون محکمه به مقیاس وسیع، توقیف ها و شکنجه های افراد مظنون، کشت و کشتار و بمباردهائی که بی شمار غیر نظامیان کشته شده اند، مبادرت ورزید. امریکا هم در آنزمان آرام ننشسته تا توانست توسط سازمان "سیا" در مسلح کردن مجاهدین علیه تجاوز شوروی پلانهای خود را عملی نمود و بر پایه اطلاعاتی که از جاسوسان خود به دست آورده بود، حمایت از مجاهدین را حتی پیش از حمله شوروی به افغانستان آغاز کرده بود. چنانچه دیده شد که امپریالیسم امریکا با حاکمیت اسلام سیاسی در افغانستان به پلانهای شوم و ضد بشری خود نزدیک شده می رفت.

تجاوز غیر قانونی امریکا در عراق و براندازی حاکمیت صدام حسین و کشتن آن. طوری که دیده می شود با جایگزین کردن یک دولت دستنشانده در آن کشور سالهاست که خلق این کشور در آتش بی ثباتی و نارامی های داخلی می سوزد.

براندازی رژیم قذافی در لیبیا توسط مسلح ساختن مخالفان آن با سلاح های سنگین و تصرف طرابلس که باعث فرار و کشته شدن وی به شکل فجیع شد. دیده می شود که لیبیا تا به امروز از مداخلات نظامی و تروریستی آنها رهائی ندارد و آنها به خاطر چور و چپاول منابع آن و فروش سلاحهای خود به گروپهائی که خود آنها را به وجود آوردند.

سوریه که تا به امروز در آتش رقابت ها و مداخلات کشور های امپریالیستی یعنی امریکا، روسیه و متحدان شان می سوزد.

یمن: جنایاتی که از چند سال بدین سوی در یمن توسط دولتهای جنایتکار امریکا و عربستان سعودی صورت می گیرد زبان از بیان آن عاجز است.

قاره آفریقا: ذخایر طبیعی و ثروت های قاره آفریقا باعث دخالت های سیاسی امریکا و ناتو شده است. طوری که می دانیم این کشور ها به شمول روسیه و چین در اکثر کشور های این قاره با استقرار قواء و پایگاه های نظامی خود آنها را تحت حاکمیت خود قرار داده اند و دست به چور و چپاول منابع و دار و ندار آنها می زنند. چنانچه ما شاهد آوردن بهار عرب که منجر به تغییر رژیم و فروپاشی حکومت ها در تونس و مراکش و مصر شده و قدرت به دست اخوان المسلمین سپرده شد، بودیم که باعث کشته شدن ده ها هزار انسان، آوارگی و کوچ اجباری شده است. حمایت از جنایات اسرائیل در برابر فلسطینیان و نادیده گرفتن قطع نامه های متوالی به وسیله مجمع ملل متحد و همچنان نادیده گرفتن قطع نامه هائی که به وسیله آن، ملل متحد خواهان پایان دادن به محاصره اقتصادی کوبا شده است. گر چه که ما این را خوب می دانیم که ملل متحد یکی از شعبات امریکاست و طرفدار دولتمندان است ولی این مؤسسه در ظاهر خود را به حیث یک مؤسسه خود مختار وانمود می کند ولی در عمل طبق خواسته ها و پلان امریکا کار های خود را پیش می برد.

پایگاه های نظامی امریکا

امریکا به استثنای خاک خود در پنج قاره جهان جمعاً ۸۵۰ پایگاه نظامی دارد. این کشور در خاک خود نیز به طور رسمی ۵۳۰۰ پایگاه نظامی دارد. آلمان میزبان بیشترین تعداد پایگاه های نظامی امریکا در جهان است. ۲۷ در صد پایگاه های نظامی امریکا در جهان در این کشور قرار دارد.

آزمایشگاه های بیولوژیک نظامی امریکا علاوه بر ۳۰ آزمایشگاه زیستی که در اوکراین دارد، صدها آزمایشگاه مشابه در کشورهای دیگر دایر کرده است. تولید و توسعه سلاح های بیولوژیک و کیمیمیائی با پیامد های ویرانگر و مرکبار آن.

زندانهای امریکا در داخل و خارج

امریکا نه تنها در داخل خود بلکه در اکثر کشور های جهان چه به طور آشکار و چه هم پنهان مخوف ترین زندانها را دارد. سطح بالای خشونت و نقض حقوق بشر در زندان های امریکا سبب شده تا زندان های این کشور با نام های مستعاری مانند خانه مرگ یاد شوند. خشونت های گسترده امریکا در برخی از زندان های جهان سبب شده است تا

آن ها به مراکز مرگباری مبدل شوند. چون لیست زندانهای امریکا در جهان طولانیست از ذکر نامهای آنها صرف نظر می کنم.

تحریم های اقتصادی

تحریم های اقتصادی علیه اکثریت کشور ها بیشتر از سوی امپریالیسم امریکا به عنوان یک ابزار سیاست خارجی با دلالی که امریکا خود تعیین می کند، مورد استفاده قرار می گیرند. لیست تحریم های اقتصادی که امریکا علیه سایر کشور ها اعمال کرده است، طولانیست، ولی در این نوشته فقط با ذکر کشور هایی که بیشترین تحریم های امریکا را تجربه کرده و می کنند، اکتفاء می کنم. ناگفته نباید گذاشت که اتحادیه اروپا از تحریمهای امریکا نسبت به کشور های جهان حمایت کرده و می کند. تحریم های امریکا فقط باعث رنج و درد و مصیبت خلقهای ستمکش کشورهای تحریم شده، میشود.

کوبا: تحریم های امریکا علیه کوبا، امریکا شش دهه است که غیر عادلانه ترین، سخت ترین و طولانی ترین تحریم های اقتصادی، تجاری و مالی را به این کشور تحمیل نموده است. نقش کلیدی علوم کوبا در نبرد علیه کووید ۱۹ با وجود تحریم های ضد بشری امپریالیسم امریکا و ناتو نباید فراموش شود.

ونزوئلا: دلایل تحریم های جنایتکاران امریکا و متحدینش علیه کشور ونزوئلا، عبارتند از ضعف حقوق بشر، قاچاق مواد مخدر، فساد دولتی و تقلب در انتخابات در حالی که این کشور با وجودی که با غصب منابع و تحریم های اقتصادی روبه رو بود با آنها متحدین امریکا را در نبرد علیه کووید ۱۹ با مواد غذایی و منابع طبی کمک کرده است.

ایران: فعالیت های اقتصادی ایران شدیداً تحریم شده است، ولی در سال های اخیر خصوصاً پس از برنامه هسته ای در ایران و موارد حقوق بشری تشدید شد.

کوریای شمالی: تحریم های شدیدی پس از برنامه هسته ای و به اصطلاح سوء استفاده از حقوق بشر علیه این کشور اعمال شد.

سوریه: تحریم ها علیه سوریه شامل نقض حقوق بشر، جنگ داخلی سوریه و وارد شدن نام این کشور در حامیان دولتی تروریسم می باشد.

سودان: دلایل ذکر شده عبارتند از جنگ دارفور و وارد شدن در فهرست حامیان دولتی تروریسم.

روسیه: از ۲۰۱۴ بدین سو بعد از الحاق کریمیه و اخیراً بعد تهاج بالای اوکراین با شدیدترین تحریم ها مواجه می باشد.

اشخاص تحریم شده در کشور های جهان: کشور بلاروس، برمه، جمهوری افریقای مرکزی، چین، کنگو، کریمه، قبرس، هائیتی، ایران عراق، کوریای شمالی، لبنان، لیبیا، روسیه، سومالی، جنوب سودان، سوریه، یمن و افرادی هستند که امریکا آنها را به دلایل امپریالیستی که دارد تعیین و تحریم می کند.

اوکراین: هدف امریکا از جنگی که از طریق کشور های عضو ناتو در اوکراین به راه انداخته اولاً جلوگیری از قدرت گرفتن بیشتر نظامی و سیاسی روسیه و جلوگیری از مقاومت مردم جهان در برابر تاخت و تاز های خودش می باشد و ثانیاً جهت محاط کردن روسیه می خواهد تا کشور هایی که در همجوار روسیه قرار دارند از طریق دولتهای دستنشانده و یا دولتهای خود فروخته، آنها را به پیمان ناتو بکشاند. اما این که انسان اوکراین قربانیان این

جنگ هستند و در سنگرهای یک جنگ بی معنی، زنده زنده سوزانده و یا آواره و دربه در می شوند اصلاً برای شان ارزش یک خزنده را هم ندارند.

پس جنایاتی را که دولتهای امریکا با تجاوزات، مداخلات و دگرگونی ها در جهان مرتکب شده اند، مسؤول بیشترین موارد نقض حقوق بشر و فجایع در جهان هستند که باید قبل از برژنف، گوربچوف و پوتین به جرم ارتکاب جنایات جنگی به محکمه کشانده شوند. دیگر این که امریکا با بی نظمی که در جهان به وجود آورده، قادر شده است جوامع غربی را قبل از این که آنها بتوانند پلان یک پارچگی خود را به عنوان یک قدرت بزرگ بازسازی کنند، آنها را به چند دستگی به اساس اقتصادی و سیاسی و خطراتی را که از جانب روسیه و چین احساس می کنند، تقسیم خواهد نمود. آնموقع است که میدان برای تاخت و تاز دو قدرت بعدی که روسیه و چین است، آماده می شود.